

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم
شماره چهارم (پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۲۰-۱۰۹

جنبش ظفار، ۷۵ - ۱۹۶۵

نورالدین نعمتی*

چکیده

از سده نوزدهم به بعد کشور عمان به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک همواره در سیاست‌های منطقه‌ای؛ به ویژه برای بریتانیا مهم و با اهمیت بوده است. در دهه شصت میلادی جنبشی در منطقه ظفار شکل گرفت که برای ثبات منطقه خطرناک می‌شد. در فضای جنگ سرد این مسأله اهمیت پیدا کرد و رفته رفته به موضوع رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. در منطقه ایران و عربستان در آن وارد شدند و در سال‌های ۷۵ ° ۱۹۷۲ م ایران در این زمینه مداخله نظامی کرد و جنبش شکست خورد و از میان رفت. در اینجا مسأله مهم مقاله این است که این جنبش چگونه اهمیت یافت و به موضوع رقابتی بین‌المللی بدل شد؟ و فرضیه مقاله این است: قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در جنبش ظفار از نظر ایدئولوژی و استراتژی نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی

جنبش، عمان، ظفار، ایران، قدرت‌های بزرگ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران nemati453@yahoo.com

مقدمه

کشور عمان در جنوب شرق شبه جزیره عربستان با مساحت ۲۱۲۳۸۰ کیلومتر مربع که به چهار استان (ظفار، مسقط، المسندم و بریمی) و پنج منطقه (ظاهره، باطنه، داخلی، شرقی وسطی) تقسیم می‌شود. این کشور حدود ۳۱۶۵ کیلومتر در سواحل آب‌های بین‌المللی مرزدار و استان ظفار از شمال به عربستان، از جنوب به خلیج کوریا و موزیا و اقیانوس هند، در شرق با صحرای جده الحرایس و در غرب بایمن هم‌مرز بوده، دارای ۶۱۱۵۳ کیلومتر مربع وسعت و ۳۷۰ کیلومتر خط ساحلی است. این کشور از نظر ساختار اجتماعی دارای بافت قبیله‌ای و اکثریت مردم پیرو مذهب اباضیه و تعدادی هم اهل تسنن هستند. در قرن هفدهم این کشور به دلیل موقعیت استراتژیک مورد توجه بریتانیا قرار گرفت و آنها در مسقط حکومتی وابسته تشکیل دادند. در اوایل قرن بیستم انگلستان با کسب امتیاز نفت در آن کشور و بهره‌برداری از آن به تقویت حاکمان مسقط پرداختند. استان ظفار که در جنوب غربی قرار گرفته، به صورت نواری ساحلی به طول ۳۷۰ کیلومتر و از نظر طبیعی به دو منطقه کاملاً متضاد و متمایز تقسیم می‌شود که شمال آن بیابان و جنوب آن جنگلی و سرسبز است. اکثریت مردم این منطقه دارای مذهب تسنن و به زبان خاصی تکلم می‌کنند. در اوایل قرن بیستم با واگذاری امتیاز نفت به انگلیس و بهره‌برداری از منابع نفتی حضور انگلیسی‌ها بیشتر شد. حاکم مسقط، سعید بن تیمور (۷۰° ۱۹۳۲ م) با بهره‌گیری از شرایط جدید، فشارهای سیاسی و اقتصادی بر مردم منطقه ظفار وارد کرد. آنها برای رهایی از چنین شرایطی با تأثیرپذیری از رهبران خودکده بیشتر در بیرون مرزهای این کشور و تحت تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی و بهره‌گیری از شرایط خاص اعراب، در منطقه ظفار با حمایت قدرت‌های

بزرگ جنبش اجتماعی شکل دادند که تداوم آن توازن قدرت را در خاورمیانه به هم می‌زد. این جنبش با دخالت نظامی ایران سرکوب شد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که چگونه این جنبش تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی به موضوع رقابت‌های بین‌المللی تبدیل شد و فرضیه مقاله این است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در جنبش ظفار از نظر ایدئولوژی و استراتژی نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند.

جغرافیای تاریخی ظفار

کشور عمان به علت موقعیت دریایی و تجاری در قرن شانزدهم میلادی تحت سیطره دریایی پرتغالی‌ها درآمد. آنها حدود یکصد و پنجاه سال حاکم بلامنزاع در آن منطقه بودند تا اینکه مردم عمان در سال ۱۶۵۰ م به رهبری سلطان بن سیف (۸۸° ۱۶۴۹) پرتغالی‌ها را بیرون کردند و حکومتی برپایه باورهای مذهبی (اباضیه) تشکیل دادند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۷-۳۰؛ Kaylani, 1979: 567-79). انگلیسی‌ها پس از تسلط بر هندوستان برای امنیت راه‌های تجارت دریایی از حاکمان مسقط حمایت کردند و با حمایت آنها قدرت خود را در عمان گسترش دادند (زکریا قاسم، ۱۹۶۷: ۸° ۱۶۰؛ King and Stevens, 1973). منطقه ظفار تا قرن نوزدهم به صورت مستقل و به وسیله رؤسای قبایل اداره می‌شد و تلاش حاکمان مسقط برای تسلط بر آن منطقه با شکست روبه‌رو شد؛ تا اینکه سلطان مسقط با حمایت انگلیسی در نیمه دوم قرن نوزدهم بر آنها مسلط شدند (هالییدی، ۱۳۸۵: ۸-۴۲۰؛ Wilkinson, 1971: 369-370). منطقه ظفار از نظر فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی نسبت به سایر مناطق عمان، متفاوت و متمایز است و از بُعد جغرافیایی به دو منطقه کاملاً متفاوت بیابانی و کوهستانی و سرسبز که تحت تأثیر باران‌های موسمی

وسلطان سعیدبن تیمور (۷۰° ۱۹۳۲ م) با شیوه حکومت استبدادی تلاش کرد با گسترش اختلافات قبیله‌ای و فشارهای اقتصادی از طریق افزایش مالیات در بخش‌های کشاورزی، دامپروری و تجارت و محدودیت‌های صادرات و واردات، اوضاع را در آن منطقه تحت کنترل خود درآورد (سعودی، ۱۳۵۳: ۲۵-۲۰ و ۲۰۰۴؛ ۹-۵۴). او که درک درستی از تحولات جهانی و منطقه‌ای نداشت، مدعی بود با افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی و درگیر کردن مردم با آن معضلات توان هرگونه مخالفت و اعتراض را از آنها خواهد گرفت (صحیفه الطلیعه الكويتیه، ۲۷/ ۴/ ۱۹۹۶). سلطان سعید برای محدودیت بیشتر مردم با صدور فرمان‌هایی از تمامی کالاها و یا محصولات که از شهر صلاله، مرکز ظفار ترانزیت می‌شد، سه برابر ارزش آنها عوارض دریافت می‌کرد و حتی شرکت‌های نفتی که در آن منطقه در حال اکتشاف و یا استخراج نفت بودند، حق به کارگیری مردم بومی را نداشتند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۳۰، ۱۲۸ و الریس، ۱۹۷۳: ۳۸، ۲۳۰). مردم برای رهایی از اوضاع بد مالی و اقتصادی جهت اشتغال در شرکت‌های نفتی به کشورهای حوزه خلیج فارس، کویت، بحرین، قطر و امارت متحده عربی مهاجرت کردند (ابوعیانه، ۱۹۹۴: ۲۰۰-۲۰۸). مهاجران در آن کشورها با شدت فقر در کشور خود آگاه شدند و تعدادی از آنها تحت تأثیر جنبش‌های ملی‌گرای عرب قرار داشتند (۲۰۰۴؛ ۵-۹). سعید بن تیمور در زمینه مسائل فرهنگی، فراگیری آموزش‌های نوین را الحاد و کفر دانسته و اکثریت مردم از آموزش محروم شدند و هرگونه فعالیت را در این زمینه محدود و با ممنوعیت خروج اتباع آن کشور به خارج، از امکان هرگونه تحول در زمینه فرهنگی جلوگیری کرد (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۱۷ و عون، ۱۹۶۴: ۳۵-۳۸).

است تقسیم شده است (الریس، ۲۰۰۲: ۹-۷۷). ظفار براساس آمار جمعیتی ۱۹۹۷ دارای ۲۱۲۰۰۰ نفر جمعیت است که ۴/۹ درصد از کل جمعیت کشور و پرجمیت‌ترین استان است (الخصائص، ۱۹۹۸: ۴۵-۵۸). این منطقه دارای ساختاری قبیله‌ای است و اکثریت مردم مسلمان پیرو مذهب تسنن (شافعی) هستند و زندگی آنها برپایه کشاورزی، دامپروری و تجارت است (شهداد، ۱۹۸۹: ۵-۲۰). زبان آنها یکی از شعبات زبان سامی تا حدی به زبان عربی شباهت دارد و در واقع از زبان حمیری مشتق شده است (الریس، ۲۰۰۲: ۸-۳۲۰). در دوران سلطنت تیموربن فیصل (۱۹۳۲° ۱۹۱۳ م) در منطقه ظفار شورشی برضد حاکم آن منطقه شکل گرفت. سلطان خود به منطقه ظفار آمد و پیمان صلحی در سال ۱۹۱۶ م با آل‌کثیر، رهبر ناراضیان منعقد کرد (العمری، ۲۰۰۴: ۸-۴۶). در سال ۱۹۳۲ م سلطان سعید بن تیمور (۷۰° ۱۹۳۲ م) پدر خود را کنار گذاشت. در دوران او مردم منطقه ظفار، اوضاع متفاوتی را تجربه کردند (العمری، ۲۰۰۴: ۴۸-۴۵).

زمینه‌های شکل‌گیری جنبش

حمایت بریتانیا از سلاطین مسقط باعث شد آنها بر سراسر قلمرو عمان تسلط پیدا کنند. آنها علاوه بر کسب امتیازات نفتی و تأسیس پایگاه‌های نظامی در ساختار اداری و حکومتی آن کشور حضور گسترده و فعال داشتند (الهی، ۱۳۸۹: ۷۰° ۱۶۶). در نیمه دوم قرن بیستم نفت به عنوان یک کالای استراتژیک، باعث رقابت شرکت‌های نفتی اروپا و آمریکا در منطقه شد. در کشور عمان اوضاعی متفاوت با سایر کشورها حکمفرما بود. منطقه ظفار که از نظر اقلیمی و مذهبی، متمایز و متفاوت بود، در دوره سلطنت سلاطین مسقط آن منطقه از نظر اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اوضاع متفاوتی داشت

شکل‌گیری و تکوین جنبش ظفار

به نظر می‌رسد، تحولات جهانی و منطقه‌ای، تأسیس دولت اسرائیل، شکل‌گیری جنبش‌های ملی عربی، تشکیل حکومت‌های سوسیالیستی و کمونیستی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، رقابت کشورهای غربی برای کسب امتیاز نفت و توسعه فعالیت‌های آنها، عدم درک سلطان سعید بن تیمور از شرایط عینی جامعه، فقر و توسعه نیافتگی آن کشور، زمینه را برای شکل‌گیری جنبش برضد حاکمیت فراهم کرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۳۱۵۶۰۰۸۷). جریان‌های تأثیرگذار خارج از مرزها برای بهره‌گیری از شرایط داخلی عمان فرصت لازم را به دست آوردند و احمد خطیب، کویتی از بنیانگذاران جنبش ملی‌گرای عرب، افکار و آثارش بر مهاجران عمانی مقیم کویت تأثیر گذاشت. ظفاری‌های مقیم کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرای عربی با درک موقعیت منطقه ظفار که در آن انجمن خیریه ظفار که کارهای خیریه انجام می‌داد و سازمان سربازان ظفاری که متشکل از افراد ظفاری بود که در کشورهای عربی در ارتش خدمت می‌کردند، جبهه واحدی را تشکیل دادند. گروه‌های مذکور به منظور سازماندهی مخالفان در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ در منطقه تحیز در کوه‌های ظفار جبهه آزادیبخش ظفار، اولین کنگره خود را تشکیل دادند و در پی آن، جبهه با اهداف منطقه‌ای اعلام موجودیت کرد که کمیته‌ای مرکب از ۱۲ نفر برای هماهنگی و نظارت بر آن انتخاب شدند. از جمله افراد تأثیرگذار در آن یوسف بن علوی نماینده جنبش در قاهره و محمد احمد غسانی در کویت بودند. این جبهه با سازماندهی افراد انجمن خیریه ظفار، سازمان سربازان ظفار و نیروهای بومی ناراضی ساکن آن منطقه بر عملیات مسلحانه و بیرون راندن بیگانگان و

آزادی ظفار عربی تأکید داشتند (شهادت، ۱۹۸۹: ۹-۲۶۰ و الزیدی، ۲۰۰۰: ۱-۳۱۰). جبهه آزادیبخش در مدت کوتاهی با بهره‌مندی از نارضایتی مردم و بهره‌گیری از توان نیروهای آموزش دیده و حمایت‌های گسترده مردم منطقه و کمک‌های خارجی بر قسمت‌های عمده از ظفار مسلط شد (جغوب، ۲۰۱۰: ۹۲ ° ۲۸۸). ریشه‌های فکری جنبش آزادیبخش ظفار، متأثر از جنبش ملی‌گرایی عرب با تأکید بر تفکر ناصری بود که اهداف مشترک آنها در تمامی سرزمین‌های عرب مبارزه و بیرون راندن استعمار غرب و اتحاد و آزادی اعراب و ملی‌گرایانه‌ای که هدفشان مبارزه با استعمار و استبداد داخلی بود (حجلاوی، ۲۰۰۳: ۱۸ ° ۳۰۸؛ Owen, 1973: 72-266). در ۶ ژوئن ۱۹۶۷ با شکست اعراب از اسرائیل، پیروزی کمونیست‌ها در یمن جنوبی، واگذاری جزیره حلانیت (کوریا، موری) آن کشور از سوی انگلیسی‌ها به سلطان مسقط، جنبش ظفار را در مسیر تغییر و تحولات مهمی قرار داد (اسدی، ۱۳۸۸: ۸-۱۹۵). رهبران آنها برای رویارویی با شرایط جدید بین‌المللی و منطقه کنفرانسی در ۱ سپتامبر ۱۹۶۸ در حمیرین واقع در منطقه میانی ظفار برگزار کردند (باروت، ۲۰۰۷: ۴-۵۰ و باروت، ۲۰۰۷: ۵۰-۵۴)). در این کنفرانس با کنار گذاشتن افراد میانه‌رو، چپ‌گراها کنترل آن را در دست گرفتند. با تشکیل شورای رهبری مرکب از ۲۵ عضو و پس از آن کمیته اجرایی که محمد احمد غسانی و کمیته سازمانی که محمد عبدالله حسین و کمیته سیاسی که سالم احمد غسانی در رأس آنها بودند، نام جبهه آزادیبخش ظفار به جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده تغییر یافت (الزیدی، ۲۰۰۰: ۸-۲۹۵ و والرس، ۲۰۰۲: ۵-۱۳۰). در این دوره با تغییر قدرت در مصر، آنها حمایتشان را از جنبش قطع کردند و

۱۳۶۲: ۹-۱۷۰). آنها سلطان سعید بن تیمور را که در اداره کشور ناتوان و باعث نارضایتی مردم و شکل گرفتن جنبش ظفار شده بود و توانایی مقابله مؤثر با آن را نداشت، طی کودتایی از سلطنت خلع کردند و پسرش قابوس سی ساله را که تحصیل کرده کالج نظامی سند هرست بود، به عنوان چهاردهمین پادشاه آل ابوسعید به قدرت رساندند (شهادت، ۱۹۸۹: ۲۸-۲۷۵۰). سلطان قابوس برای تثبیت قدرت در داخل و خارج به اقداماتی دست زد. او تصور می‌کرد باید با تنش‌زدایی منطقه مخالفان را به حداقل رساند. پس در همین راستا، گام‌های مؤثری برداشت، او از شرایط تغییر قدرت در مصر بهره برد، بنابراین، با به قدرت رسیدن انور سادات به آن کشور سفر کرد و توانست حمایت آن کشور را از حکومتش جلب کند و به فعالیت مخالفان در مصر خاتمه دهد. در سطح منطقه با حمایت مصر، عربستان و سایر کشورهای مؤثر عرب به عضویت اتحادیه عرب و پس از آن سازمان ملل متحد درآمد (العمری، ۲۰۰۴: ۸-۲۲۰). عربستان مؤثرترین کشور عرب به دلایل مختلف، از جمله اختلافات مذهبی، ارضی و سیاسی از مخالفان سلطان حمایت می‌کرد. او با بهره‌مندی از پشتوانه قدرت‌های غربی به آن کشور سفر کرد و در آنجا مسأله اختلاف ارضی (بوریمی) را پایان بخشید و عربستان با حمایت گسترده مالی از متحدان قدرتمند سلطان شد (الریس، ۲۰۰۲: ۸-۳۴۲). حاکمان مسقط تا پیش از سلطان قابوس، امارت متحده عربی، را ادامه طبیعی خاک عمان دانسته و تشکیل حکومت در آن مناطق را تجزیه کشور خود می‌دانستند؛ اما با تشکیل کشور امارت متحده عربی نه تنها از ادعای ارضی صرف‌نظر کرد؛ بلکه از آنها خواستار حمایت از حکومت خود شد. سلطان قابوس برای مقابله با مخالفان در زمینه داخلی به اصلاحات و نوسازی

رهبران جنبش پس از آن در کنفرانس چپ‌گراها به رهبری محمد احمد غسانی در قاهره با سفارت چین مذاکره کردند. آنها با حمایت از جنبش تعدادی از رهبران به آن کشور دعوت شدند و علاوه بر آموزش‌های عقیدتی و حزبی کمک‌های نظامی دریافت کردند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۸-۱۶۵ و جغبوب، ۲۰۱۰: ۸۴). پس از کنگره دوم در سال ۱۹۶۸، جبهه خلق با حمایت خارجی به پیروزی‌های مهمی در ظفار دست یافتند. آنها در سال ۱۹۶۹ با تصرف جاده ارتباط زمینی صلاله سبب شدند ارتباط مرکز ظفار با مسقط قطع شود. سپس با تصرف بندر راخیوط به آبهای آزاد دسترسی پیدا کردند و دریافت کمک‌های خارجی برای آنها بهتر شد (هالییدی، ۱۳۸۵: ۹-۲۵۰؛ Hughes, 2009: 271-305). جبهه پس از اینکه به اکثر نقاط مهم و استراتژی ظفار دست یافت، با گسترش عملیات نظامی به جبل‌الخضر، ازکی و نزوی در نزدیکی تنگه هرمز و به خطر افتادن امنیت صدور نفت به غرب باعث نگرانی آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی شدند (الزیدی، ۲۰۰۰: ۸-۱۹۰). به نظر می‌رسد جنبش ظفار با زمینه‌های نارضایتی از حاکمیت، رؤسای محلی و قبیله‌ای با اهداف محلی برای آزادی منطقه ظفار شکل گرفت. حامیان خارجی با تأثیرگذاری و هدایت جنبش به سمت اهداف بلندمدت و آزادی تمامی کشورهای منطقه از سلطه غرب، واقعیت‌های عینی جامعه عمان و تحولات منطقه و فرامنطقه‌ای را نادیده گرفتند. بریتانیایی‌ها که تحولات عمان و منطقه را زیر نظر داشتند، در استراتژی خود برای حفظ منافعشان تغییراتی ایجاد کردند. آنها در سال ۱۹۶۸ بر اساس راهبرد شرق سوئز، قصد خود مبنی بر خروج نیروهای نظامیشان از کانال سوئز، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند را اعلام داشتند (فونتن،

کشور دست زد تا با بهره‌گیری از آن شرایط، مخالفان را به حداقل برساند و از گسترده‌تر شدن جنبش جلوگیری کند. او بر اساس فرمانی نام کشور را از سلطان‌نشین مسقط به سلطان‌نشین عمان تغییر داد تا وحدت ملی بر سراسر کشور حاکم شود و برای مبارزه با فقر و بیسوادی اصلاحات مهمی انجام داد و با نوسازی نظام آموزشی تعداد مراکز آموزشی جدید را از ۳ مرکز پس از دو سال به ۶۸ مرکز رسانید (شهداد، ۱۹۸۹: ۹-۲۴۵). برای مبارزه با فقر اقتصادی، بخشی از درآمدهای نفتی را هزینه نوسازی پروژه‌های کشاورزی، صنعتی و دامپروری در ظفار کرد و تعداد زیادپاز مردم مشغول به کار و فعالیت شدند، و با احداث خطوط تلگراف، تلفن و برق جامعه شهری و روستایی را دچار تحول کرد. در بخش سلامت با راه‌اندازی بیمارستان‌های جدید و استخدام پزشکان از کشورهای اسلامی، اوضاع بهداشتی را بهبود بخشید و تعداد زیادی برای تحصیل در رشته پزشکی و فنی به خارج اعزام کرد. در نتیجه، برای تغییر ساختار سیاسی هیچ اقدامی انجام نداد. در همین زمان، با تغییر ایدئولوژی جنبش از ملی‌گرایی عربی به کمونیسم، تعدادی از رهبران مخالفان و مردم از آنها جدا شدند؛ از جمله سالم بن مبارک معشتی، سلم بن فضل کثیر و یوسف بن علوی. سلطان به گرمی از آنها استقبال کرد و برخی از آنها را به مناصب مهم دولتی گماشت (الوثائق، ۱۹۸۲: ۲۲۷). رهبران جبهه مخالفان برای مقابله با راهبرد سلطان قابوس در زمینه سیاست خارجی و نوسازی داخلی در ژوئن ۱۹۷۱م در رخیوت کنفرانسی تشکیل دادند که در آن کنگره چینی که دیگر تمایلی به کمک نداشتند، به جای آنهاشوروی را به عنوان حامی خارجی قرار دادند و با تشکیل حزب کمونیستی^۵ نسبی، مقرر کردند افرادی که از سطح

فرهنگ سیاسی بالایی برخوردارند، حق عضویت در آن داشته باشند و برای اولین بار زنان در کنفرانس شرکت داده شدند و از حقوق برابر با مردان برخوردار شدند. در این کنفرانس بر ایدئولوژی سوسیالیستی و ضرورت مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم در عمان و خلیج فارس تأکید شد (انقلاب ظفار، ۱۳۵۴: ۳۸-۳۰ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سند شماره ۲۸۷۲۴). مخالفان پس از این کنفرانس در عملیات نظامی پیشرو موفقیت به دست نیاوردند و با شدت گرفتن عملیات علیه آنها در ژانویه ۱۹۷۲ در اهلیش کنگره‌ای تشکیل دادند. در این کنفرانس برای تمرکز عملیات و مقابله با نیروهای سلطان قابوس و متحدانش تصمیم گرفته شد. جبهه دموکراتیک ملی بر آزادی عمان و خلیج فارس که از مناطق شمالی عمان فعالیت می‌کرد و جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج فارس که بیشترین اعضای آن ظفاری بودند جبهه متحدی با عنوان جبهه ملی برای آزادی عمان و خلیج فارس تشکیل دادند تا بتوانند با تمرکز نیرو و فرماندهی عملیات مؤثری انجام دهند. گسترش عملیات نظامی آنها نگرانی‌هایی برای سلطان عمان، حامیان منطقه‌ای و قدرت‌های فرا منطقه‌ای ایجاد کرد (الرسعی، ۱۹۸۰: ۷۳-۹: Hughes, 2009: 271-305). به نظر می‌رسد جنبش ظفار بر اساس شرایط موجود و عینی در آن جامعه شکل گرفته بود. در امتداد با تمرکز خواسته‌های منطقه‌ای موفقیت‌های بزرگی به همراه داشت و حتی حمایت‌هایی که از طرف نیروهای چپ در سایر جاها از این جنبش می‌شد، می‌توانست افکار عمومی را نسبت به مسأله ظفار حساس کند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره، ۲۶۸۶۰۶۲).

ایران و جنبش ظفار

دکترین نیکسون را مدنظر قرار دادند. بر اساس آن، امریکاییان از حضور نظامی خودداری می‌کردند و برای حفظ نظم و امنیت از کشورهای متحد به آنها کمک‌های مالی و تسلیحاتی می‌کردند (ملکوئیان، ۱۳۸۰: ۹-۱۸۰ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۲۸۷۲۴). راهبرد نیکسون مکانیزم جدیدی برای حفظ منافع غرب در خلیج فارس مطرح کرد که ایران و عربستان از ارکان مهم این استراتژی بودند و شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای به سود ایران بود:

۱- متحد استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل در منطقه؛

۲- توانایی بالای نظامی؛

۳- داشتن موفقیت ژئواستراتژیک در همسایگی شوروی؛

۴- جمعیت بالای کشور؛

۵- ثبات سیاسی و اقتصادی؛

۶- نوسازی اقتصادی؛

۷- افزایش درآمدهای نفتی پس از شوک نفتی اعراب؛

۸- غرور و جاه طلبی شاه ایران؛

۹- گسترش فعالیت‌های کمونیستی در منطقه و تجربه حکومت ایران در مقابله با آنها.

سلطان قابوس پس از به قدرت رسیدن با اجرای سیاست تنش‌زدایی منطقه‌ای و اصلاحات داخلی مقابله مؤثری با مخالفان نداشته بود. نیروهای مخالف با پذیرش ایدئولوژی سوسیالیستی از حمایت قدرت‌های چین، شوروی و سایر قدرت‌های وابسته به آنها در منطقه برخوردار شدند. آنها با سازماندهی و بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته عملیات نظامی خود را گسترش دادند و ممکن بود با تسلط بر تنگه هرمز امنیت صدور نفت را به مخاطره بیندازند. از طرف دیگر، در کشور عراق با به قدرت رسیدن

کشور ایران همواره با همسایگانش روابطی حسنه و مناسب داشته است. در دوره قاجار روابط سیاسی و تجاری با عمان به انحطاط گرایید، با ورود اروپاییان به خلیج فارس اوضاع این منطقه دستخوش تغییر شد و انگلیسی‌ها با حضور مستمر و طولانی در این منطقه برای امنیت راه دریایی به هند و پس از آن اکتشاف و استخراج نفت، حفاظت از این منطقه را با امنیت ملی خود مرتبط می‌دانستند. شاه ایران که با حمایت غرب برای تداوم جریان نفت در رأس قدرت تثبیت شده بود، کشور در آن دوره بخشی از حلقه زنجیره‌ای دفاعی غرب را تشکیل می‌داد و ایالات متحده عامل اصلی تعیین‌کننده سیاست خارجی کشور بود. شاه ایران در داخل با سرکوب مخالفان توانسته بود ثبات و امنیت را تأمین کند و با کمک امریکاییان ساختار نظامی کشور را متحول کند. آنها پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی را در اختیارش قرار دادند و مستشاران آنها در ساختار اداری و نظامی حضور داشتند. او برای رفع نگرانی داخلی‌اش با ورود به پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با غرب امنیت حکومت خود را تضمین کرد. شاه ایران با عضویت در پیمان بغداد، سنتو و پس از آن انعقاد قرارداد سرّی نظامی با ایالات متحده چنانچه از سوی شوروی مورد تجاوز قرار بگیرد مورد حمایت قرار خواهد گرفت و بر اساس این قراردادها به توسعه اهداف منطقه‌ای پرداخت (امروز، ۱۳۶۸: ۹-۳۲۰).

دولتمردان بریتانیا در اواخر دهه شصت میلادی بر اساس استراتژی شرق سوئز، تصمیم خود را مبنی بر خروج نیروهای نظامیشان از کانال سوئز، خلیج فارس و اقیانوس هند بیان کردند. سیاستمداران ایالات متحده برای حفظ و امنیت منافع استراتژیک غرب و جلوگیری از خلاء قدرت که ممکن است در منطقه باعث گسترش نفوذ کمونیسم شود راهبر

حزب بعث و نزدیکی آنها با شوروی و ایجاد اردوگاه جهت آموزش نظامی ارسال تجهیزات بر نگرانی غربی‌ها افزود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره: ۱۷۴۱۰۷۸ و جغوب، ۲۰۱۰: ۷۸-۷۰).

سلطان قابوس که توان مقابله مؤثر و کوتاه‌مدت با مخالفان را نداشت، با موافقت انگلیس و آمریکا از شاه ایران تقاضای کمک نظامی کرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۰۷۲۲۰۹۰) و دولتمردان ایران در مذاکراتی که با ثوینی بن شهاب، مستشار عالی سلطان قابوسداشتند، مسأله ظفار را در دستور کار خود قرار دادند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۲۱۵۶۰۰۸۷ و ۰۲۷۲۰۰۵۱). آمریکاییان بر این باور بودند که حکومت ایران با بهره‌مندی از شرایط داخلی توانایی برقراری امنیت در منطقه خلیج فارس را دارد و تأمین منافع استراتژیک غرب که به نفت این منطقه وابسته است، با خللی روبه‌رو نخواهد شد و نقش برتر و رهبری در خلیج فارس در آن شرایط زمانی پشتوانه مهمی برای امنیت اسرائیل خواهد بود (العیبی، ۲۰۰۴: ۸-۸۲).

دولتمردان ایران با درک شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای با اعزام نیروی نظامی به عمان و استقرار در مناطق استراتژیک رأس‌المسندم و رؤوس‌الجبالاشراف کامل بر تنگه هرمز پیدا کردند (طلوعی، ۱۳۶۸: ۲۰-۱۰ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره ۰۱۷۴۱۱۱۲).

آنها در صلاله، حلانیه و ام‌الغوارف در جنوب و ثمریت و شعلیت در شمال و ممر در شرق ظفار مستقر شدند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۲۹۰۵). و در دی ماه ۱۳۵۲ش / ۱۹۷۳م) نیروهای نظامی ایران با طراحی عملیات گاز انبری که از دو محور اولی از صحرا در شمال شروع می‌شد و تا بیابان‌های ظفار و سپس تا مناطق کوهستانی ادامه پیدا می‌کرد و محور دوم عملیاتی از سهل صلاله به

طرف کوه‌ها می‌رسید و به محور اول ختم می‌شد، عملیات خود را آغاز کردند و پس از مدت کوتاهی جاده بسیار استراتژیک میدوی به صلاله یا جاده سرخ را آزاد کردند و طی بیانیه مشترکی آزادسازی این مناطق بیان شد و عملیات نظامی ایران در ظفار رسماً اعلام شد؛ ولی بازتاب گسترده‌ای در سطح بین‌المللی نداشت، و حکومت ایران با بهره‌مندی از این شرایط نیروهای بیشتری به عمان اعزام کرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۰۱۷۴۱۱۱۲) و با طراحی و اجرای عملیات نظامی گسترده در تمامی جبهه‌ها مخالفان را وادار به عقب‌نشینی و شکست کرد. کشورهای حامیان مخالفان، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در چنین شرایطی حمایت‌های خود را به حداقل رساندند و آنها برای مقابله با وضع موجود در ژوئن ۱۹۷۴ در عدن کنفرانسی تشکیل دادند که در آن با سازماندهی دوباره و تغییر استراتژی و ایدئولوژی، تلاش کردند با مقاومت از شکست قطعی جلوگیری کنند. ارتش ایران در تداوم عملیات در سال ۱۳۵۳ش / با تسلط کامل بر منطقه راخیوت، راه تدارکات و کمک‌هایی را که از سوی یمن جنوبی به مخالفان می‌شد، بست. مخالفان بزرگترین ضربه را در جریان مبارزه متحمل شدند. سرانجام در سال ۱۳۵۴ با تصرف مناطق الرشید، آخرت، منطقه جنوبی ازیبی (بیت‌المندوب) نیروهای ارتش ایران بر تمامی مرزهای عمان، یمن جنوبی که متصل به ظفار بودند، تسلط یافتند و سلطان عمان پیروزی و پایان یافتن جنگ ده ساله را اعلام کرد (کیهان، ۱۳۵۴/۹/۲۳). شاه ایران با شرکت در عملیات ظفار و مقابله جدی و مؤثر با کمونیسم و پذیرفتن نقش فرامنطقه‌ای برای حفاظت و امنیت صدور نفت بیان کرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند شماره: ۲۸۷۲۴).

نتیجه

سیاستمداران بریتانیا پس از حضور در خاورمیانه برای حفظ امنیت خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند در منطقه عمان حکومتی وابسته به خود به وجود آوردند که باعث تحولاتی در منطقه شد. در دوران سلطنت ابوسعید تیمور (۱۹۷۰-۱۹۳۲م) مردم منطقه ظفار که از نظر مذهبی، زبانی و جغرافیایی متمایز و متفاوت از سایر مناطق بود اوضاع دیگری را تجربه کردند. ابوسعید با فشارهای اقتصادی و فرهنگی، فقر و محرومیت را در آن منطقه گسترش داد. تعدادی از مردم ظفار برای رهایی از وضع موجود به کشورهای عربی مهاجرت کردند. آنها با فقر و محرومیت منطقه خود بیشتر آشنا شدند و با تشکیل انجمن‌های جزیه و کمک‌های انسان دوستانه، منشاء خدماتی در آن منطقه شدند. تعدادی از مهاجران ظفاری با تأثیرپذیری از اندیشه‌های ملی‌گرایی عربی و با بهره‌گیری از نارضایتی مردم و با سازماندهی نیروهای مخالف با انجام عملیات مسلحانه بر بخش‌های مهمی از ظفار دست یافتند. با پیروزی کمونیست‌ها در یمن جنوبی و حمایت‌های مادی و معنوی آنها، جنبش به سایر مناطق عمان نفوذ کرد و با گسترش دامنه عملیات به مناطق استراتژیک تنگه هرمز، واکنش غربیان را به دنبال داشت، آنها با تغییر قدرت سیاسی و روی کار آوردن سلطان قابوس و انجام اصلاحات داخلی و خارجی نتوانستند اقدام مؤثری علیه مخالفان انجام دهند. شاه ایران بر اساس راهبرد نیکسون و حمایت غرب، نیروهای نظامی به ظفار اعزام کرد که با به‌کارگیری از تجهیزات شيرفه و توان بالای نظامی توانستند با انسداد مرزها و پیشروی در مناطق مهم، مخالفان را سرکوب و امنیت صدور نفت را به غرب تأمین کنند.

منابع فارسی:

- اسدی، بیژن. (۱۳۸۸ش). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، چاپ سوم.
- الهی، همایون. (۱۳۵۴). انقلاب ظفار و تحولات خلیج، کمیته فلسطین، اتحادیه انجمن‌های اسلامیدانشجویان اروپا، بی‌جا.
- _____ (۱۳۸۳ش). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس، چاپ دوازدهم.
- چمنکار، محمد جعفر. (۱۳۸۳ش). بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طلوعی، محمد. (۱۳۶۶ش). نبرد قدرت‌ها در خلیج فارس، تهران: پیک ترجمه و نشر.
- مسعودی، عباس. (۱۳۵۲ش). خلیج فارس در دوران سربانندی و شکوه، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۰ش). ایران و امنیت ملی آمریکا (۱۳۲۴-۱۳۰۷)، علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)، سال چهارم، ش ۱۶، زمستان.
- هالیدی، فرد. (۱۳۸۵ش). عربستان بدون سلاطین، ترجمه بهرام افراسیابی، ج دوم، تهران: کتابسرا.

منابع عربی:

- أبو عیانة، فتحي محمد. (۱۹۹۴م). سكان سلطنة عمان دراسة ديموغرافية، دراسات الخليج والجزيرة العربية، العدد ۴۰.
- باروت، محمد جمال. (۲۰۰۷م). حركة القوميين العرب (النشأة-التطور-المصائر)، الدائرة الثقافية المركزية: الجبهة الشعبية لتحرير فلسطين، أيار.
- _____ (۱۹۹۷م). حركة القوميين العرب النشأة-التطور-المصائر، دمشق: المركز العربي للدراسات الاستراتيجية.
- جغبوب، منى سالم سعيد. (۲۰۱۰م). قيادة المجتمع نحو التغيير التجربة التربوية لثورة ظفار (۱۹۶۹-

- شهداد، ابراهیم محمد ابراهیم (١٩٨٩م). الصراع الداخلي في عمان خلال القرن العشرين ١٩١٣-١٩٧٩م، دار الأوزاعي، لبنان-بيروت، الطبعة الأولى.
- العمرى، محمد سعيد دريبى (٢٠٠٤م). ظفار؛ الثورة في التاريخ العماني المعاصر، بيروت: رياض الريس للكتب والنشر، الطبعة الأولى.
- عونى، مصطفى (١٩٦٤م). سلطنة الظلام في مسقط وعمان، بيروت: دارالآداب، الطبعة الأولى.

منابع لاتين:

- Kaylani, Nabil M. (1979). Politics and Religion in 'Um n: A Historical Overview, *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 10, Issue 4, November: 567-79.
-Owen, R. P. (1973). The Rebellion in Dhofar: A Threat to Western Interests in the Gulf, *The World Today*, Vol. 29, No. 6, June: 266-72.
- R. King and J. H. Stevens (1973). *A Bibliography of Oman, 1900-1970*. Durham: Durham University, Center for Middle Eastern and Islamic Studies.
- Wilkinson, J. C. (1971). The Oman Question: The Background to the Political Geography of South-East Arabia, *The Geographical Journal*, Vol. 137, No. 3, September: 361-71.
- Hughes, Geraint. (2009). A Model Campaign Reappraised: The Counter-Insurgency War in Dhofar, Oman, 1965° 1975," *Journal of Strategic Studies*, Vol. 32, Issue 2: 271-305.

١٩٩٢م، دراسات الوحدة العربية، بيروت، الطبعة الأولى.
- حجلأوى، نورالدين بن الحبيب (٢٠٠٣م). تأثير الفكر الناصري على الخليج... ١٩٥٢-١٩٧١م، دراسات الوحدة العربية، بيروت.
- حسين، القشبرى (١٩٨٢م). الوثائق، دراسات الخليج والجزيرة العربية، العدد (٣٠)، أبريل.
- الريس، رياض نجيب، (٢٠٠٢م). ظفار؛ الصراع السياسى والعسكرى فى الخليج ... ١٩٧٠-١٩٧٦م، بيروت: رياض الريس للكتب والنشر، الطبعة الثالثة.
- الزيدى، مفيد (٢٠٠٠م). التيارات الفكرية فى الخليج ١٩٣٨-١٩٧١م، دراسات الوحدة العربية، لبنان-بيروت، أيار.
- صحيفة الطليعة الكويتية ٢٧ / ٤ / ١٩٦٦م - العمرى، محمد سعيد دريبى (٢٠٠٤م). ظفار الثورة فى التاريخ العماني المعاصر، بيروت: رياض الريس للكتب والنشر، الطبعة الأولى.
- جغبوب، منى سالم سعيد (٢٠١٠م). قيادة المجتمع نحو التغيير التجربة التربوية لثورة ظفار (١٩٦٩-١٩٩٢)م، دراسات الوحدة العربية، بيروت: الطبعة الأولى.
- الريس، رياض نجيب (١٩٧٣م). صراع الواحات والنفط، بيروت: النهار للخدمات الصحفية.
- _____ (٢٠٠٢م). ظفار؛ الصراع السياسى والعسكرى فى الخليج ... ١٩٧٠-١٩٧٦م، بيروت: رياض الريس للكتب والنشر، الطبعة الثالثة.
- الزيدى، مفيد (٢٠٠٠م). التيارات الفكرية فى الخليج ... ١٩٣٨-١٩٧١م، دراسات الوحدة العربية، لبنان-بيروت، الطبعة الأولى، أيار.